

# حضرت عبدالبهاء و هاخام

ویلارد هج

ترجمه شده توسط فاروق ایزدی نیا از انگلیسی



## حضرت عبدالبهاء و هاخام

ویلیام هج

خطابهٔ پرشور حضرت عبدالبهاء در معبد امانوئل، که نویسنده در این مقاله به آن اشاره دارد، به طور کامل در نشریهٔ *The Palo Alton*، منتشره در پالو آلتو، کالیفرنیا، همراه با خطابه‌های بسیار مهم ایشان در دانشگاه استنفورد و کلیسای موحدین پالو آلتو، درج شده است. بعدها در مجموعه خطابات مبار که آمریکا موسوم به *The Promulgation of Universal Peace* درج گردید. حضرت عبدالبهاء فرمودند که تعالیم بهائی "اصول عملی" است و "هر زمان که اصول به حیز عمل در آید تعالیم الهی ثمر بخشیده است."<sup>1</sup> حکایتی که ذیلاً نقل می‌شود نشان می‌دهد که کلام حضرت عبدالبهاء سیف ایشان و "قوهٔ الهی سبب فتح و ظفر ایشان"<sup>2</sup> است.

<sup>1</sup> ترجمه - خطابهٔ 29 مه 1912 مندرج در صفحه 155 *The Promulgation of Universal Peace*

- م

<sup>2</sup> ترجمه - خطابه 12 آوریل 1912 مندرج در صفحه 5 *The Promulgation of Universal Peace*

- م



TRANSLATION

پائیز سال 1912 بود. معبد امانوئل، کنیسهٔ یهودیان اصلاح طلب، واقع در خیابان ساتر (Sutter)، شماره 450، در مرکز شهر سان فرانسیسکو، مملو از جمعیت بود. نگارنده در بالکن، روی زمین نشسته بود به نحوی که می توانست هم ببیند و هم بشنود.

روی جایگاه صحنه‌ای بود که شخص را به یاد نقاشی‌های عهد باستان می انداخت. فرزانهٔ الهی، حضرت عبدالبهاء، مولوی بر سر، ردایی از موی شتر به بر، مشغول صحبت بودند؛ روحی که از مدّت زمان نورانی ایران ایشان را همراهی می کرد آنقدر نیرومند بود که توجهات منحصرأ بر ایشان متمرکز بود؛ تا بدان حدّ که این واقیعت معلوم نبود که کلام ایشان ترجمه می شد و در آگاهی تامّ به کلّی محو می گشت.

حضرت عبدالبهاء با منطقی بی جواب ثابت می کردند که دین علّت بزرگ پیشرفت هر امت است. ایشان فرمودند، "دین به انسان حیات ابدیه می بخشد و قدم‌های او را در مسیرهای اخلاقیات هدایت کند. ابواب سعادت لایتناهی مفتوح سازد و عزّت ابدیه به عالم انسانی عطا نماید. اساس کلّ مدنیت و ترقّی در تاریخ نوع بشر بوده است." (ترجمه) ایشان با ذکر وقایع مربوط به خاندان ابراهیمی و انبیاء اصاغر متوالی یهود که در سلسلهٔ مزبور ظهور نمودند؛ با تاریخ مشهور و بردگی مشهود آنها در ظلّ فرعون؛ با نجات آنها توسط حضرت موسی، که مصریان حضرتش را به عنوان شبان می شناختند؛ و با این توضیح که چگونه به قوهٔ دین ایشان قادر شدند اساسی الهی را بگذارند که به مدنیت باشکوه سلیمان منجر شد، مقصود خویش را بیان کردند. حضرت عبدالبهاء توضیح دادند که مقصود ایشان از دین "مبانی اساسیه یا حقیقت دین است نه خرافات و تقلید کورکورانه ... اینها مسلماً مخرب و تهدید و مانعی برای حیات ملت است ... وقتی آنها مبانی و اصول شریعهٔ الله را فراموش کردند، بُخت نصر آمد و ارض مقدّس را تصرف کرد ... هفتاد هزار یهودی را اسیر کرد و با خود برد ... در سال هفتاد میلادی تحت امر سردار رومی، تیتوس، ارض مقدّس ویران و غارت شد."

بعد، حضرت عبدالبهاء با قوت تام و جلال تمام خاطر نشان فرمود که دین به دو قسم منقسم است؛ قسم اساسی در تعالیم کلیه انبیاء یکسان است؛ قسم ثانی که هر کدام از انبیاء منطبق با حوائج مردم یوم ظهور می آورد تغییر می کند - اساس جمیع ادیان واحد است، چه که حقیقت واحد است.

سپس بحر مواج خطابهٔ حضرت عبدالبهاء از عمق بیشتری برخوردار شد و طلعت میثاق با قوت تمام ثابت فرمود که حضرت مسیح بزرگ ترین دوست حضرت موسی بود؛ حقانیت حضرت موسی را، که قبلاً در هندوستان، یا حتی ممالک مجاور اروپا، شناخته نشده بود ترویج فرمود؛ حضرت مسیح با نزول

انجیل و تصریح بر حقانیت حضرت موسی و جمیع انبیاء بنی اسرائیل، تورات را با موفقیت تأیید و تحکیم نمود؛ مسیحیان با قبول عهد عتیق چیزی از دست ندادند؛ حضرت مسیح از مادری یهودی و طبیعتاً دوست یهودیان بود.

صحنه تماشایی شده بود. هاخام جوان، فوق‌العاده باهوش، و تا حدی تنومند و چهارشانه، عرق را که بر جبین نشسته بود می‌زدود. با آن که هوای پائیزی گرم نبود، اما عرق از سر و روی او ریزان بود. هیچ فرد یهودی زبان به اعتراض نگشود.

سپس، طلعت نازنین حضرت عبدالبهاء ثابت فرمود که حضرت محمد رسول‌الله حامی و پشتیبان حضرت موسی و حضرت مسیح بود؛ حضرتش اگرچه "به ظاهر فاقد سواد و ناآگاه از کتب مقدسه الهیه بود" اما مدینیتی را از ماده عربی وحشی و خشن به وجود آورد که از ممالک عربی تا اسپانیا گسترش داشت و تأثیر عظیم بر تعلیم و تربیت اروپایی نمود. پیروان همیشه در حال نزاع این انبیاء بزرگ از پیام شارعان دیانت خود منحرف شدند و متقابلاً یکدیگر را به ارتجاع و کهنه‌پرستی متهم ساختند.

سپس حضرت عبدالبهاء توضیح دادند که حضرت محمد حضرت موسی را تأیید کردند بدون آن که با این پذیرش لطمه‌ای وارد کنند و این که، سایر انبیاء را نیز مورد تأیید قرار دادند. حضرت عبدالبهاء اظهار داشتند که حضرت بهاء‌الله، شارع امر بهائی، اتخاذ چنین صفت و نگرشی را امر می‌فرمایند و می‌گویند که "عدم تعصب" موجب آسایش و رفاه نوع انسان است.

جمعیت عظیم که تحت تأثیر عمیق قرار گرفته بود از کنیسه به خیابان ریخت و تدریجاً پراکنده شده هر کسی به سوی منزل خویش رهسپار گشت.

حال، یکی از پیامدهای فوری این رویداد بسیار جالب است؛ زیرا پیامدی در مقطعی از زمان بود که به اتحاد و اتفاق کل منجر خواهد شد و این واقعیت مسلم و غیر قابل بحث است؛ همچنین، به عقیده راسخ نگارنده، پیامد علت و معلول بود. این امر مسلم است که هیچ معلولی بی علت نیست، این نکته هم به وضوح مشهود است - اما خواننده می‌تواند خود به قضاوت بنشیند.

طولی نکشید بعد از این رویداد که مدیران کلیسای کنگره‌گرایان<sup>3</sup>، که در گوشه آن سوی خیابان، به طور اریب، مقابل کنیسه مزبور قرار گرفته بود، تصمیم گرفتند بنای جدیدی روی همان زمین سابق

<sup>3</sup> کلیسای کنگره‌گرایان (Congregational church) کلیسای کلیسای گروهی از پروتستان‌های مسیحی

است که معتقدند همه مسیحیان از طریق مسیح دسترسی مستقیم به خداوند دارند و بر این اساس با

بسازند؛ در اینجا لازم بود که بنای کهنه را فرو ریزند و بعد بنای جدید را بسازند، و در نتیجه جمعیت مسیحیان فاقد محلّی برای عبادت می‌شدند. در این هنگام، هاخام محترم کنیسه، که حضرت عبدالبهاء در آن با استدلالی محکم و رد ناکردنی به اثبات حقانیت حضرت مسیح پرداخته بودند، به نام هاخام مارتین مایر (Martin A. Meyer)، که روحش قرین آرامش باد، با فراغت تامّ از هر گونه تعصّبی که مدّت‌های مدیدی بین یهودیان و مسیحیان متداول بود، از صمیم قلب از جماعت مسیحی، که اینک فاقد عبادتگاه شده بودند، دعوت کرد که هر یکشنبه در کنیسهٔ یهودیان به مراسم عبادی خود پردازند. این دعوت کریمانه پذیرفته شد، و مدّت تقریباً نه ماه بعد از آن، هر جمعه مراسم یهودی با گشودن عهد عتیق و هر یکشنبه مراسم مسیحی با صحبت دربارهٔ عهد عتیق و عهد جدید آغاز می‌شد.

حال، از زمان حضرت مسیح تا کنون، در چه زمانی و چه مکانی چنین اتّفاقی قبلاً افتاده است؟ صحیح است که جلسات اتّحاد و اتّفاق بین پیروان ادیان گوناگون از جمله مسیحیان و یهودیان گاهی اوقات تشکیل شده - و در نمایشگاه بزرگ شیکاگو در سال 1893، که امر اعظم بهائی برای اولین بار در آمریکا ذکر شد، بسیاری از ادیان گوناگون کنگره‌ای تشکیل دادند که به تفاهم بهتر منجر شود؛ اما در تاریخ گذشته چه زمانی چنین امر بی‌سابقه‌ای رخ داده است - که چندین ماه، هفته‌های پیاپی، یکشنبه بعد از یکشنبهٔ دیگر، جماعت مسیحی، بنا به دعوت یهودیان، مراسم عبادی خود را در کنیسهٔ یهودیان برگزار نمایند؟

وقتی حضرت عبدالبهاء از این رویداد آگاه شدند، در لوحی مرقوم فرمودند:

"و اما سخاوت و انسانیتی که حضرت هاخام مارتین مایر نشان دادند که کنیسهٔ خود را در اختیار مسیحیان قرار دادند تا در آنجا به عبادت مشغول شوند؛ این اقدام و این عمل ابدی شود، و در اعصار و دهور آینده، حسن نیت حضرت هاخام در کتب و آثار تاریخ عمومی ثبت شود و الی ابدالآباد ورد لسان جمیع نفوس انسانی شود." (ترجمه)

نگارنده این پیام را به هاخام منتقل نمود. هاخام آن روز در اتاق مطالعه در کنیسه نشسته بود و از دریافت آن پیام بسیار مشعوف شد. جسد هاخام مارتین مایر روانهٔ آرامگاه جاودانی‌اش شد؛ دعای

---

یکدیگر برابرنده. آنها بر خلاف دیگر فرقه‌های مسیحی کنترل خارجی از طریق اسقف‌ها و شوراها را رد می‌کنند و بر این عقیده هستند که هر جامعه باید کلیه امور خود از جمله انتخاب کشیش‌ها را خودشان بر عهده بگیرند - م

مشتاقانه نفوسی که این شخص شریف، خوش قلب و عاری از تعصب را می‌شناختند و دوستش داشتند آن است که روح او به اعلیٰ مدارج واصل شود؛ او دوستی واقعی بود که عملاً نیت خود را ثابت کرد و عاشق واقعی خدای واحد و عالم انسانی بود - به این معنی که جمیع نوع بشر از خدای واحد نشأت گرفته و کلّ عالم انسانی به او باز خواهد گشت.

(مأخذ: عالم بهائی، ج 3، ص 360) متن انگلیسی را در نشانی زیر می‌توانید مشاهده کنید:

[https://bahai.works/Bah%3%A1%E2%80%99%C3%AD\\_World/Volume\\_3/%E2%80%98Abdu%E2%80%99I-Bah%3%A1\\_and\\_the\\_Rabbi](https://bahai.works/Bah%3%A1%E2%80%99%C3%AD_World/Volume_3/%E2%80%98Abdu%E2%80%99I-Bah%3%A1_and_the_Rabbi)